

## عنوان مقاله:

تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی

## محل انتشار:

فصلنامه متن پژوهی ادبی، دوره 19، شماره 65 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

## نویسندگان:

علی اکبر باقری خلیلی - دانشیار دانشگاه مازندران؛ بابلسر

مرضیه زلیکانی - دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مازندران؛ بابلسر

## خلاصه مقاله:

زبان بدن به معنای عبور از کلام و ایجاد ارتباط از طریق عناصر غیرکلامی یا زبان خاموش است. این زبان مجموعه وسیعی از رفتارها و پدیده های اشاری و حرکتی را شامل می گردد و در سیاست، به طور مستقیم یا غیرمستقیم کاربرد دارد. یک سیاست مدار می تواند نقش و نیت واقعی خود را در پس واژه ها و جمله ها پنهان کند، اما قادر به نهان داشتن زبان بدن نیست. از این رو، با تحلیل حرکات و اشارات بدنی سیاست مداران می توان به مکنونات ذهنی، فکری و اهداف سیاسی آنها پی برد. مصادیق زبان بدن را به عنوان یکی از ابزارهای ارتباط غیرکلامی در تاریخ بیهقی می توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱) حرکات و حالات چهره. ۲) اشارات و حالات سر و تن. ۳) حرکات و اشارات دست. ۴) سایر رفتارهای حرکتی. حالات چهره، نمودار مهارت یک سیاست مدار در مقوله هایی نظیر خویشتنداری، تمایل به ایجاد ارتباط و بی اعتنائی است و بر مفاهیمی چون تایید، تکذیب، تاسف، تمسخر و ظاهرسازی دلالت می نماید، همان گونه که حرکات دست می تواند دال بر احترام، پیمان، وفاداری یا قتل و دستگیری باشد. نکته مهم اینکه بسیاری از موضوعاتی را که امکان طرح آنها در ارتباط کلامی وجود ندارد، یا به مصلحت نیست، می توان با زبان بدن مطرح کرد. باری، زبان بدن را باید یکی از انواع فرازبان دانست که اگرچه پیامش به نافذترین شکل انتقال می یابد، اما هیچ گونه رد و نشان قابل استنادی به جا نمی گذارد و به همین دلیل، در حوزه سیاست بسیاری از ناگفتنی ها را با زبان بدن می گویند.

## کلمات کلیدی:

زبان بدن، تاریخ بیهقی، سیاست، ارتباط غیرکلامی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1393161>

